



تحلیلی بر اصل تساوی سلاح‌ها در حقوق کیفری ایران و آمریکا

حسین لطیفی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۸

چکیده

توسعه شاخصهای حقوق بشری و تثبیت آن در حقوق و آزادی‌های اساسی افراد بر لزوم ایجاد امکانات متناسب و برابر طرفین در یک فرآیند دادرسی، خصوصاً در امور کیفری موسوم به اصل تساوی سلاح‌ها صحنه گذاشته است. متهم در این فرآیند بیش از دیگر افراد دخیل در امور کیفری مورد توجه قرار گرفته و با این رویکرد به اصل تساوی سلاح‌ها و حقوق دفاعی متهم در یک پروسه دادرسی منصفانه در نظامهای حقوقی ایران و آمریکا پرداخته شده است. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و مشاهده رعایت اصول دادرسی منصفانه در این قانون که تا حدی به حقوق بزه دیده و متهم پرداخته، موجبات تحول را در اندیشه قانونگذاری ما فراهم کرد. از آنجا که رعایت یک دادرسی منصفانه با الهام از قانون آیین دادرسی کیفری بوده، به برخی از اصول که مبین اصل تساوی سلاح‌ها در پروسه فوق می‌باشد، در قوانین کیفری ایران و آمریکا پرداخت شده است. نتایج تحقیق نشان از آن دارد که حقوق ایران به مراتب، در مقایسه با قبل از ۱۳۹۲ به سمت رعایت عدالت و انصاف در امور دادرسی کیفری و هماهنگ با جامعه بین‌المللی گام برداشته، لکن هنوز نواقصی در قانونگذاری و اجرای قوانین موضوعه مرتبط مشاهده می‌گردد، که نیاز به تکمیل و دقت در قانونگذاری دارد. در این پژوهش حقوق دفاعی و اصول دادرسی منصفانه را عنوان و سپس به قوانین ایران و آمریکا اشاره شده و به ارزیابی ماحصل داده‌ها پرداخته و خواهیم دید که قانونگذار ایران اصول دادرسی منصفانه و اصل تساوی سلاح‌ها را در رابطه با حقوق دفاعی متهم و تکالیف مقام تعقیب در حفظ حقوق متهم را در قانون آیین دادرسی چگونه بیان کرده و در برخی موارد دچار ضعفهایی است، که نشأت گرفته از یک تفکر امنیت‌گرایی در امر قانونگذاری بوده است.

کلمات کلیدی: تساوی سلاح‌ها، ایران و آمریکا، حقوق دفاعی

^۱ دانشجوی رشته دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز
hosseinlatifi1393@gmail.com

مقدمه

اصل تساوی سلاح‌ها به این معناست که هریک از طرفین دعوا بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد. ازدید اسناد بین‌المللی، پذیرش این اصل متأثر از پذیرش الگوی جهانی دادرسی منصفانه است، که با گرایش به سوی نظام دادرسی اتهامی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی شکل گرفته است. غالب روند قانونگذاری در آیین دادرسی کیفری و به خصوص در مرحله تحقیقات مقدماتی در ایران، پیروی از نظام دادرسی تفتیشی می‌باشد. دادرسی منصفانه زمانی معنا پیدا خواهد کرد که افراد به دستگاه عدالت کیفری جهت احقاق حقوق خود مراجعه می‌کنند و یا احضار می‌شوند، در شرایط مساوی و برابری از امکانات قرار گرفته و به اصطلاح از تساوی سلاح‌ها بهره مند شوند. هرچند این عنوان به صراحت در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیامده اما مساله نقض حقوق بشر و تجاوز به حقوق و آزادیهای اساسی افراد به ویژه از سوی دولتها ایجاب نموده، پیدا کردن راه حل‌های مؤثر برای جلوگیری از نقض این اصل و تضمین حقوق افراد بصورت قانونگذاری در عرصه حقوق ملی و فراملی و ایجاد الزاماتی برای دولتها، سرلوحه مدافعان عدالت و حقوق بشر قرار گیرد. قانونگذار در انشاء قوانین شکلی همواره دو هدف عمده، یعنی تأمین نظم عمومی و تأمین حقوق متهم را مدنظر قرار می‌دهد. در جهت تأمین عدالت و امنیت قضایی، بردستگاه عدالت کیفری هر کشوری واجب است که بر این دو عنصر مهم اهتمام ورزد. در اصول ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ قانون اساسی ایران به صراحت رعایت حقوق افراد در مسیر اجرای قوانین قید گردیده است. قانون اساسی آمریکا هم این دولت را در اصل سوم از قانون اساسی و اصلاحیه‌های شماره ۵، ۶، ۸، ۷، ۱۰ مرتبط، به رعایت و احترام به حقوق شهروندی، پیروی و صیانت از قانون و جلوگیری از سوءاستفاده‌های غیر معقول از قدرت، در روندهای تحقیقات کیفری و ممانعت از اعمال خشونت و مجازات غیر معمول ملزم کرده است.

۱. اصل تساوی سلاح‌ها در حقوق کیفری ایران و آمریکا

اجرای اصل برابری سلاح‌ها مستلزم آن است که در مرحله تحقیقات مقدماتی که نخستین مواجهه متهم، بزه‌دیده و شاهد با دستگاه عدالت کیفری است، قانونگذار امکانات و تجهیزات اشخاص مزبور را مشخص و تضمین‌هایی در جهت رعایت حقوق دفاعی آنها پیش‌بینی کند. (ساقیان، ۱۳۸۵، ص ۹۶) اصل تساوی سلاح‌ها به معنای برابری حقوق طرفین دعوا و برابری قدرت دفاعی آنان در دادرسی است. در آیین دادرسی کیفری ایران به دلیل تفتیشی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی، حقوق محدودی را برای متهم پیش‌بینی کرده است. (صابری، ۱۳۸۸، ص ۳۸) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الهام از برخی از اسناد بین‌المللی در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی به برخی از تضمین‌های اصل برابری سلاح‌ها نظر دارد و بعضی از مقررات این قانون بر پایه همترازی طرفین دعوای کیفری استوار شده است. با این حال، این موارد با برخی از محدودیت‌ها در خصوص بعضی



رویکردها و جرائم روبرو است، که خواه ناخواه برابری کامل طرف‌ها و توازن نسبی بین متهم، دادستان و بزه‌دیده دادرسی و به خصوص در مرحله تحقیقات مقدماتی را خدشه‌دار می‌سازد. اصل تساوی سلاح‌ها یکی از مصادیق اصل کلی تساوی طرفین در فرآیند دادرسی است. این اصل یکی از ارکان مهم و بنیادین دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. در پرونده‌های کیفری دادستان که وظیفه تعقیب متهم را بر عهده دارد از امکانات بالایی برخوردار است. در این دعوی شاکی و دادستان در یک طرف قرار دارند و طرف دیگر نیز متهم می‌باشد. (رحمدل، ۱۳۸۸، ص ۳۱۶) لذا اصل تساوی سلاح‌ها ایجاب می‌نماید، متهم مانند شاکی و دادستان از امکانات و موقعیت قانونی مساوی بهره مند شود. (آشوری، ۱۳۷۸، ص ۳۵) علیرغم اهمیت این اصل و رعایت آن در جهت رسیدن به عدالت و تحقق دادرسی منصفانه، در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به این اصل اشاره صریحی نشده است، لیکن در برخی از مواد قانون مزبور مصادیق اصل تساوی سلاح‌ها پیش بینی گردیده است. تلاش برای کاهش اختیارات ضابطان و دادرسان و همزمان تعیین ضمانت اجرا در مورد اقدامات آنان از یک سو و تقویت تضمینهای حقوقی متهم در فرآیند تحقیقات مقدماتی از سوی دیگر، از ویژگی‌های مهم این نوآوری تقنینی است. اصل تساوی سلاح‌ها در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی بشود، باید با تساوی کامل از حقوق دفاعی خود بهره مند گردد.» بیان گردیده است. با توجه به اصل برائت باید متهم را نسبت به حقوق خود آگاه نمود، به همین دلیل میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در بند «دال» بند ۳ ماده ۱۴ خود، لزوم مطلع ساختن متهم از حق داشتن وکیل را مورد تصریح قرار داده است. (صابری، ۱۳۸۸، ص ۴۰) اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا مصوب ۲۵ سپتامبر ۱۷۸۹ مقرر می‌دارد: «در تمامی دادرسی‌های کیفری، متهم از حق دادرسی سریع و علنی به وسیله هیئت منصفه‌ای بی‌طرف از ایالت یا ناحیه‌ای که جرم در آن واقع شده، اطلاع از چگونگی و علت اتهام، مواجهه با گواهان که علیه او گواهی می‌دهند و از فرآیند دسترسی ضروری به گواهانی که به نفع او گواهی خواهند داد و از کمک و همراهی وکیل جهت دفاع از وی برخوردار خواهد بود.» اصلاحیه پنجم قانون اساسی آمریکا مصوب ۲۵ سپتامبر ۱۷۸۹ مقرر می‌دارد: «هیچ شخصی به سبب ارتکاب جرم سنگین یا جرم نامعین مسئول شناخته نخواهد شد، مگر براساس کیفرخواست یا اعلام جرم هیأت عالی منصفه،... هیچ کس برای یک جرم دوبار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچکس در هیچ مورد کیفری به ادای شهادت علیه خود مجبور و یا از زندگی، آزادی و دارایی خویش بدون طی مراحل قانونی لازم محروم نخواهد شد.» همچنین متمم هفتم قانون اساسی آمریکا ۲۵ سپتامبر ۱۷۸۹ مقرر می‌کند: «حق برخورداری از محاکمه با هیئت منصفه در دعوی قضایی مشخص، بنابه کامن لافراهم می‌کند.» دادستان در نظامهای دادرسی ایران و آمریکا متصدی دعوی عمومی به منظور حمایت از حقوق جامعه و بزه دیده است. این نقش دادستان به گونه‌ای بر جسته شده است، که موضوع رعایت حقوق دفاعی متهم از جمله در اعلام و اعلان دلایل به نفع او و جلوگیری از طرح دلایل فاسد

3 . Constitution America

4 . Common law

علیه وی توسط دادستان ناچیز تلقی می‌شود. (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۴۵) در حقوق آمریکا حسب ملاحظه آراء متعدد دیوان عالی این کشور به صراحت وظیفه دادستان در حقوق ایران ملاحظه نمی‌شود، اما از لزوم بی طرفی دادستان که در قوانین موضوعه تلویحاً یا صراحتاً مورد توجه قرار گرفته است، استنباط می‌شود که در حقوق ایران نیز دادستان باید در ارائه دلایل به نفع متهم و جلوگیری از ارائه دلایل فاسد علیه او خودداری نکند.

۲. حقوق دفاعی متهم^۵

در آیین دادرسی ایران، حقوق دفاعی متهم تعریف نشده است. مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.» لکن حقوق دفاعی متهم را اینگونه می‌توان تعریف کرد: «مجموعه امتیازاتی که به موجب آن برای متهم امکان مؤثر دفاع از خود در فرآیند رسیدگی کیفری تضمین می‌شود و متهم از برخی امتیازها، حمایت‌ها و تضمینهای قانونی در جریان دادرسی برخوردار می‌گردد.» (صابری، ۱۳۸۸، ص ۴۲) یکی از مبانی حقوق دفاعی متهم، اصل تساوی سلاح‌ها می‌باشد که برپایه آن متهم می‌تواند از کلیه امکانات حقوقی خود برخوردار شود. حال آنکه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر جنبه های ترافعی تحقیقات مقدماتی^۶ افزوده است. حقوق دفاعی شامل تضمین پاسخ گویی و واکنش متهم در جهت مقابله با اقدامهای مقام تعقیب و تحقیق که در صدد اثبات عدم استحقاق متهم از فرض بی گناهی اند. (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۱) ماده ۵ همان قانون مقرر نموده: «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی نظیر حق اطلاع متهم از اتهام خود و ادله آن در این قانون بهره مند شود.» حقوق یا هشدار میراندا،^۷ حقوق قانونی شخص بازداشت شده به امتناع از پاسخ دادن به پرسش‌های پلیس تا هنگام حضور وکیل او و حق او به داشتن وکیل در همه موارد و مراحل قانونی است که در سال ۱۹۶۶ و براساس رأی دیوان عالی آمریکا وضع شد. طبق این هشدارها مأمورین پلیس آمریکا موظف هستند، هنگام بازداشت افراد حق آن‌ها را به اختیار کردن سکوت و گرفتن وکیل گوشزد کنند و به آن‌ها بگویند تا زمانی که وکیل اختیار نکرده‌اند، حق دارند از دادن پاسخ به هرگونه سؤال خودداری کنند و در صورتی که این قانون از جانب پلیس رعایت نشود، متهم آزاد می‌شود. در ایران حق سکوت متهم (ماده ۱۹۷) و حق داشتن وکیل (مواد ۶۸، ۱۹۰، ۴۸، ۱۳، ۵) را قانون آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته است. در حقوق آمریکا می‌بایست حقوق شخص مظنون که همان هشدارهای میراندا است، به او تفهیم شود. در مرحله تحقیقات مقدماتی مستند به ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند

5 . Defense rights of the accused

6 . Preliminary research

7 . Miranda warning

که مراقب اظهارات خود باشد و نیز در مرحله رسیدگی در دادگاه، مستند به ماده ۳۹۶ همان قانون در موقع محاکمه دادرسی کیفری پیش بینی شده است که خطاب به متهم گفته شود مواظب گفتار خود باشد. براساس ماده ۷ همان قانون در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از سوی مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. اصلاحیه پنجم و ششم قانون اساسی آمریکا نیز به همین موارد اشاره و تأکید دارد. (نیوپور، ۱۳۸۹، ص ۴۷) حقوق دفاعی متهم باید به گونه‌های تضمین شود که از تحریک یا الزام وی به خود متهم سازی^۸ جلوگیری شود. در واقع متهم ساختن خود، اصل برائت را نقض می‌کند. با توجه به این که دادستان و شاکی ملزم به اثبات مجرمیت متهم در حد ایجاد اقناع وجدان دادرسانند، الزام متهم به متهم کردن خود، قاعده البینه علی المدعی را نقض می‌کند. (ساقیان، ۱۳۸۵، ص ۹۹)

۳. اصل برائت

اصل برائت ابتدا در حقوق کیفری ایالات آمریکای شمالی در سال ۱۷۸۹، سپس در اسناد بین المللی و منطقه‌ای حقوق بشر از جمله ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل و ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر فرانسه مصوب ۱۷۸۹ و ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سال ۱۹۵۰ تصویب گردید. (مهرپور، ۱۳۹۶، ص ۷۴) بعد از تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل ۳۷: «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود. مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» و بعد از آن در قوانین عادی طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری و بند ۲ ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی و احترام به آزادی‌های مشروع به این اصل بنیادین اشاره گردید. در حقوق آمریکا اصل برائت، از لزوم احراز وجود «دلیل موجه»^۹ در دستگیریه‌ها برداشت می‌گردد و اصل بر آن است که شخص بی گناه است مگر آنکه پلیس دلیل موجهی برای دستگیری شخص مظنون داشته باشد. افزون بر دلیل مذکور، طبق دکترین آمریکا، از یک سو مقام تعقیب (دولت)، بار اثبات عناصر تشکیل دهنده جرم را بر عهده دارد و از سوی دیگر حقوقی مانند حق سکوت، تکلیف نداشتن متهم به دفاع از خویش و اثبات بی‌گناهی خود به روشنی بر اصل برائت دلالت می‌کند. قانونگذاران هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا تلاش نموده‌اند که با اختصاص دادن ضوابط و مقرراتی شفاف در جهت تحت نظر قرار دادن اشخاص، نه تنها موارد تحت نظر را کاهش دهند، بلکه در جهت امنیت فردی و حقوق مرتبط با آن، تضمینات بیشتری را فراهم آورند. هر دو نظام حقوقی در راستای تقویت حقوق اشخاص تحت نظر تلاش‌هایی نموده‌اند: نخست آنکه هر دو نظام با اختصاص ضوابط و قواعد خاص، تلاش خود را برای تقلیل اعمال این تدابیر مغایر با حقوق اشخاص تحت تعقیب به کار گرفته‌اند؛ بدینگونه

8 . Self Incrimination

9 . Probable cause

که فقط در صورت تحقق ضوابط و الزامات قانونی مقرر، حق تحت نظر قرار دادن اشخاص شکل می‌گیرد. در حقوق آمریکا تعداد زیادی از نهادهای ایالتی و فدرال در اجرای قانون و پیشگیری از جرم و مبارزه با آن مشارکت دارند که مأموران آنها اشخاصی آموزش دیده هستند. در حقوق ایران نیز تنها ضابطان دادگستری و مقامات قضایی می‌توانند از تدبیر تحت نظر استفاده کنند و با توجه به محدود شدن قلمرو ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری، شمار افراد و مقاماتی که می‌توانند از این تدبیر استفاده کنند، کاهش یافته است. قانونگذاران دو کشور با در نظر گرفتن حقوقی برای اشخاص تحت نظر و الزام ضابطان به تفهیم حقوق مذکور، موثرترین گام را برای تضمین حقوق شخص تحت نظر پیش بینی نموده‌اند، که از جمله می‌توان به حق مشورت با وکیل اشاره نمود. یکی دیگر از اقدامات حمایتی در حقوق آمریکا ضبط گفتگوهای بازجویی با وسایل الکترونیکی است که مانع هرگونه اقدامی همچون اجبار و اکراه به اقرار و توهین نسبت به شخص تحت نظر می‌گردد. شایسته بود که مقنن ایرانی نیز در قانون آیین دادرسی کیفری چنین اقدامی را برای جرائم مهم پیش بینی می‌نمود. در رویه دادرسی آمریکا ضمانت اجراهای مدنی و کیفری به رسمیت شناخته شده است و برای اقدامات ضابطان، قاعده بطلان دلیل^{۱۰} مقرر گردیده است. (فتحی، ۱۳۹۱، ص ۵۱) قاعده مذکور با بی اعتبار شمردن دلایل حاصل از دستگیری‌ها، توقیف‌ها و تفتیش‌های غیرقانونی به حمایت از حقوق اشخاص پرداخته است. اجرای این قاعده نه تنها در سطح فدرال بلکه در ایالت‌های آمریکا نیز الزامی است. بنابراین احراز دلیل موجه و یا معقول برای جلب و دستگیری ضروری است. در تعریف رویه‌های عملی، ضابطه دلیل معقول^{۱۱} چیزی فراتر از هر ضابطه شک معقول^{۱۲} است که برای صدور حکم محکومیت لازم است. حال آنکه دلیل موجه زمانی وجود دارد که ضابطه بیش از پنجاه درصد است. بعبارت دیگر اگر شک معقول مبنی بر ارتکاب جرم توسط متهم وجود داشته باشد، اگر دلیل موجه پس از تفتیش یا دستگیری غیرقانونی ایجاد شود، غیرقابل قبول است. (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۴۹) بنابراین احراز دلیل موجه مقدم بر هرگونه دستگیری می‌باشد.

۴. اصل علنی بودن محاکمات

حق داشتن افراد برای دفاع از ادعاهای و حقوق فردی خود نزد محاکم و اشخاص و نیز حضور افراد در جلسات دادگاه بهترین وسیله برای نظارت در امر دادرسی است و دادرسی‌های سری و محرمانه از لحاظ آنکه از کنترل افکار عمومی خارج است، اجرای عدالت را به طور قابل ملاحظه‌ای مخدوش می‌سازد. (رحمدل، ۱۳۸۸، ص ۳۱۷) به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی ایران و ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل بر علنی بودن جلسات دادرسی و محاکمات و عدم مانع برای حضور افراد است، مگر در جرائم منافی عفت و یا حفظ نظم عمومی یا امور خانوادگی به تقاضای طرفین دعوی و به تشخیص دادگاه. در مرحله تحقیقاتی مقدماتی و طبق ماده ۹۱ قانون مذکور تحقیقات مقدماتی

10 . Exclusionary rule

11 . Beyond a reasonable doubt

12 . Reasonable suspicion



به صورت مجرمانه صورت می‌گیرد، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگر مقرر دارد. وفق ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم سیاسی و مطبوعاتی در هر حال رسیدگی به صورت علنی صورت می‌گیرد. از علنی بودن محاکمات به منزله یکی از شاخص‌های مهم دادرسی عادلانه در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر مانند: ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۶۷ و ۶۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر یاد شده است. (مهرپور، ۱۳۹۶، ص ۷۹) در نظام حقوقی ایران علنی بودن دادرسی در دو اصل ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی پیش بینی شده که این امرحاکمی از توجه قانونگذار ایرانی به اهمیت و تأثیر اصل مزبور در تضمین امنیت قضائی افراد است. طبق اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا که مقرر می‌دارد: «در تمامی دادرسی‌های کیفری، متهم از حق دادرسی سریع و علنی به وسیله هیئت منصفه‌ای^{۱۳} بی‌طرف از ایالت یا ناحیه‌ای که جرم در آن واقع شده،...» به اصل علنی بودن محاکمات اشاره گردیده است. حال آنکه درخصوص مجرمانه بودن تحقیقات مقدماتی هردو کشور سیاست یکسانی اتخاذ نکرده‌اند. درحقوق آمریکا مجرمانه بودن تحقیقات منوط به آن شده که به حقوق دفاعی متهم لطمه‌ای وارد نشود، که این موضوع در قانون آیین دادرسی کیفری ایران اشاره‌ای به آن نشده است، که شایسته بود صراحتاً موضوع عدم لطمه به حقوق دفاعی متهم و چارچوب آن را قانونگذار ایران قید می‌نمود. در مرحله رسیدگی در دادگاه جنایی آمریکا در هر حال حضور هیأت منصفه، الزامی است، (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۵۰) درحالی‌که در قانون ایران حضور هیأت منصفه صرفاً در جرائم سیاسی و مطبوعاتی الزامی است.

۵. لزوم تفهیم اتهام و حقوق دفاعی به متهم

اصلی‌ترین مقدمه لازم برای تحقق اصل تساوی سلاح‌ها و بهره‌مندی متهم از حقوق دفاعی خود، مطلع ساختن وی از این حقوق است. منظور از تفهیم اتهام، اعلام صریح و روشن عنوان مجرمانه‌ای است که به متهم نسبت داده می‌شود تا بدین ترتیب وی بداند که برای ارتکاب چه عملی سزاوار قابل تعقیب کیفری شناخته شده است. (فتحی، ۱۳۹۱، ص ۵۴) ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آنرا بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند.» ماده مذکور تنها به تفهیم اتهام در جرائم مشهود و در صورتیکه نگهداری شخص برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد اشاره دارد. لیکن از مواد ۶۱، ۶۲، ۱۹۵ قانون مذکور که به تفهیم اتهام بدون تفکیک میان جرائم مشهود و غیرمشهود پرداخته است، چنین برداشت می‌شود که تفهیم اتهام در جرائم غیرمشهود هم جاری است. (رحمدل، ۱۳۸۸، ص ۳۱۸) سابقاً درحقوق آمریکا مطابق رأی دادگاه‌های تالی، نیازی نبود که مأموران بازجو، مظنون را از ماهیت اتهامات و اسقاط حقوقش آگاه نمایند. دیوان عالی آمریکا بعداً نظرجدیدی ارائه کرده: طبق این نظر اسقاط حقوق معتبر وجود نخواهد داشت، مگر اینکه متهم کاملاً منصفانه و بدون

تزویر از نتایج اسقاط حقوقش آگاهی یابد. بنابراین وقتی که اسقاط این حقوق مطرح است، ارائه اطلاعات دقیق و صریح مربوط به ماهیت اتهامات علیه او الزامی است. معمولاً در کشورهای مبتنی بر نظام دادرسی اتهامی، در صورتی که متهم بازداشت شده باشد، حاضر کردن وی نزد یک قاضی الزامی است. در این مرحله که به «حضور اولیه» مشهور است، متهم از اتهام خود و دلایل آن آگاهی می‌یابد. حق اطلاع از موضوع اتهام و دلیل دستگیری از حقوقی است که درباره آن استثنایی مقرر نشده است. (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۵۶) اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا مقرر می‌دارد: «در تمامی دادرسی‌های کیفری، متهم از حق دادرسی سریع و علنی، اطلاع از چگونگی و علت اتهام، برخوردار هست». حق تفهیم حقوق اشخاص تحت نظر از جمله نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات پلیسی، برای اشخاص تحت نظر است. طبق ماده ۵۲ قانون مذکور: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفاند حقوق مندرج در این قانون را به متهم تفهیم و بصورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند.» باتوجه به اینکه حقوق اشخاص تحت نظر و تکلیف ضابطان قضایی به تفهیم حقوق مزبور برای این اشخاص در نظام دادرسی کیفری ایران سابقه نداشته است، دستگاه عدالت کیفری باید زیرساخت‌های لازم را برای اعمال آن فراهم کند.

۶. دسترسی متهم و وکیل وی به پرونده کیفری

بر اساس اصول حقوق کیفری و دادرسی عادلانه امکان دسترسی متهم و وکیل وی به پرونده کیفری می‌بایست رعایت شود. قانون آیین دادرسی کیفری برای اولین بار در جهت رعایت برابری طرفهای دعوا، مطالعه پرونده را قبل از هر تحقیق توسط متهم و وکیل وی را در شرایطی مجاز شمرده است. (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۹) برپایه ماده ۱۹۱ این قانون: «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.» در ایران طبق تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «شاکی حق درخواست مطالعه یا دسترسی به پرونده را دارد مگر با ضرورت کشف حقیقت منافات داشته باشد که در این صورت قرار رد درخواست صادر می‌شود و این قرار قابل اعتراض است. از طرف دیگر در هر صورت به طول کلی ارائه فتوکپی اسناد و مدارک طبقه بندی شده و یا حاوی جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی به شاکی ممنوع است.» اما در مرحله دادگاه طبق ماده ۳۵۱ همان قانون مطالعه و دسترسی به پرونده مجاز است مگر در مورد اسناد طبقه بندی شده و یا مطالب جرائم منافی عفت و یا جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی که صرفاً تهیه فتوکپی منع شده است. در خصوص تهیه فتوکپی و رونوشت از پرونده و مطالعه پرونده مطلقاً توسط وکیل در قوانین کیفری آمریکا مجاز و نمی‌توان وی را از این حق منع کرد. اما در اختیار قرار دادن آن به موکل صرفاً با آگاهی و یا جواز بازپرس امکان دارد و این نشان از اعتماد قانون آمریکا به وکیل است. اما این موضوع در قانون ایران

وجود ندارد و طی شرایطی بازپرس می‌تواند قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر کند تا حتی وکیل هم حق مطالعه و اخذ کپی از پرونده را نداشته باشد و در این صورت ممکن است حقوق دفاعی متهم تزلزل پیدا کند و تدارک دفاع برای وکیل ناممکن شود. (رحمدل، ۱۳۹۳، ص ۳۲) لذا در این خصوص منصفانه بودن تحقیقات و تساوی سلاح‌ها در امر دفاع از حقوق اشخاص رعایت نمی‌شود، که پیشنهاد اصلاح و حذف این مهم در قانون آیین دادرسی کیفری می‌شود تا حداقل اعتماد به وکیل در نظام حقوقی ایران احیاء گردد.

۷. حق برخورداری از دادرسی منصفانه^{۱۴}

آیین دادرسی کیفری ایران به عنوان قانون شکلی رسیدگی به امور کیفری با منبعث شدن از مفاهیم مبتنی بر داشتن حق دادرسی منصفانه به عنوان حقی از حقوق بشر و حقوق شهروندی، به دنبال برقراری دادرسی منصفانه و عادلانه است. گرچه این اصل بطور صریح در قوانین داخلی نیامده، اما بطور ضمنی به برقراری عدالت دفاعی طرفین اشاره کرده است. (خالقی، ۱۳۹۲، ص ۷۶) اصولی چون برائت، محاکمه علنی، حق حضور متهم در دادگاه، حق دسترسی به پرونده در تحقیقات مقدماتی و سایر برابری‌ها در زمینه شهادت و شهود که با عدم رعایت هریک از این حقوق دفاعی، اصل برابری سلاح‌ها نقض می‌شود. اصل برابری سلاح‌ها ایجاب می‌کند که متهم در شرایط مساوی با دادستان قرار گیرد و بتواند از شهود پرسش به عمل آورد و شهود خود را احضار کند. (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۱) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴ خود به اصول دادرسی عادلانه پرداخته است. ایران نیز با پیوستن به این میثاق آن را پذیرفته است. بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌کند: «هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد، بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.» در فرآیند دادرسی منصفانه، تضمین حقوق دفاعی متهمان ایجاب می‌نماید که دلایل قابل استناد در فرآیند دادرسی کیفری به صورت قانونی و منطبق بر موازین دادرسی باشد. (مهرپور، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵) اصل لزوم تحصیل دلیل از طرق مشروع و قانونی در حقوق آمریکا به عنوان یک قاعده و در حقوق ایران در موارد خاصی در راستای تضمین اصل قانونی بودن تحصیل دلیل، افزون بر سایر ضمانت اجراها و به بی اعتبار بودن تحقیقات و ادله استخراجی، بیانگر «قاعده بطلان دلیل» به صورت عدم رعایت مقررات اشاره شده است. این قاعده تحت عنوان «بی اعتبار قلمداد نمودن دلیل تحصیل شده» به شیوه غیرقانونی توسط مقامات انتظامی و قضایی و خارج نمودن آن از شمار ادله علیه متهم است. در حقوق آمریکا برای استناد به عدم اعتبار ادله تحصیل شده در صورت نقض و بطلان دلیل دو تئوری پیش بینی شده است؛ قاعده نخست، بی اعتباری دلیل اولیه و مستقیم ناشی از نقض مقررات را شامل می‌شود و تئوری دوم به این اشاره می‌کند که هرگاه دلیل نخستین به صورت غیرقانونی کسب شده باشد، دلیل منبعث از دلیل اول

نیز غیرقابل قبول می‌باشد. بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به استقلال دادگاه و بی‌طرفی و ایجاد شده طبق قانون تصریح دارد. (آشوری و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۹۲) طبق متمم ششم قانون اساسی و اصلاحیه منشور حقوق بشر آمریکا در کلیه دادرسی‌های کیفری، متهم از حقوق فوق برخوردار خواهد بود. مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایران: «دادرسی باید مستند به قانون باشد و حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرد، بصورت یکسان اعمال شود.» همچنین به موجب ماده ۳ همان قانون: «مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.»

۸. حق برخورداری از وکیل^{۱۵}

این حق به عنوان یکی از بدیهی‌ترین حقوق شهروندی در تمام نظام‌های حقوقی جهان شناخته شده و از مرحله تعقیب و تفهیم اتهام تا مرحله محاکمه با توجه به عدم اطلاع متهم به قانون را شامل می‌گردد. (نیازپور، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴) طبق اصل ۳۵ قانون اساسی ایران این حق به رسمیت شناخته شده و مطابق ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری برای جرائم خاص موضوع ماده ۳۰۲ این قانون تا بند «ت» حضور وکیل در دادگاه کیفری یک الزامی و در جرائم اطفال که در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه اطفال می‌باشد و یا جرائمی که مستوجب پرداخت دیه یا آرش بیش از خمس دیه کامل است و جرائم تعزیری درجه ۶ به بالا حضور وکیل در دادسرا و دادگاه الزامی است. در مرحله تحقیقات وفق ماده ۴۸ همان قانون: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند و وکیل می‌تواند حداکثر به مدت یک ساعت با متهم ملاقات نماید.» اما آنچه که موضوع حق متهم را در این زمینه محدود می‌کند، تبصره این ماده بوده که در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرائم سازمان یافته که مجازات آن مشمول ماده ۳۰۲ همین قانون می‌باشد، حق گرفتن وکیل برای متهم دارای محدودیت می‌کند. حق داشتن وکیل بر اساس ماده ۵۲ و ۱۹۰ قانون مذکور می‌بایست به متهم قبل از تحقیق حسب مورد توسط ضابطین و بازپرس به وی تفهیم گردد. همین قانون ملاحظه می‌شود اولاً، محرومیت موقت از حق ملاقات با وکیل در همه جرائم مذکور در تبصره ماده ۴۸ یکسان بوده و قانونگذار تفکیکی را در خصوص این جرائم از حیث محرومیت از حق ملاقات قائل نشده است. ثانیاً، ممانعت از ملاقات شخص با وکیل در جرائم مزبور، تنها بر اساس ماهیت آنها صورت می‌گیرد و این محرومیت مبتنی بر ضرورت‌های تحقیق یا شرایط و احوال خاص مربوط به هر پرونده نیست. افزون بر این محدودیت حضور وکیل مدافع در مقررات مورد اشاره، جنبه الزام آور داشته و ضابطین مجاز هستند از حضور وکیل جلوگیری نمایند. (نیازپور، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹) در حقوق آمریکا،

حق داشتن وکیل در هشدارهای میراندا نیز تصریح شده است، اما منشأ اصلی آن اصلاحیه ششم قانون اساسی و اصلاحیه مصوب چهاردهم ۱۸۶۸ می‌باشد. در صورت نقض این حق، دلیل به دست آمده قابل استناد و اعتبار نخواهد بود. در حقوق آمریکا برای اشخاص معسر وکیل تسخیری تعیین می‌شود، که حق الزحمه آنان از محل بودجه عمومی تأمین می‌شود. در خصوص میزان ساعت ملاقات شخص تحت نظر با وکیل در حقوق ایران مدت یک ساعت می‌باشد و در حقوق آمریکا محدودیت مزبور در تمامی جرائم برای حق ملاقات متهم با وکیل وجود ندارد و در خصوص انتخاب وکیل این حق در تمامی جرائم در قوانین کیفری آمریکا برای شخص تحت نظر محفوظ است، که هر وکیلی را که خواست انتخاب کند. به هر حال محدود کردن حق انتخاب وکیل توسط متهم از ابداعات قانونگذار ایران بوده که با یک نگاه امنیت گرایی تصویب شده است. قسمت دال بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح نموده است که: «حق داشتن یک وکیل به متهم اطلاع داده می‌شود». ماده ۵ قانون آیین داری کیفری مقرر نموده: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی نظیر حق اطلاع متهم از اتهام خود و ادله آن در این قانون بهره مند شود.» هشدارهای میراندا حقوق قانونی شخص بازداشت شده به امتناع از پاسخ دادن به پرسش‌های پلیس تا هنگام حضور وکیل او و حق او به داشتن وکیل در همه موارد و مراحل قانونی است که در سال ۱۹۶۶ و بر اساس رأی دیوان عالی آمریکا وضع شد. طبق این هشدارها مأمورهای انتظامی آمریکا موظف هستند، هنگام بازداشت افراد حق آن‌ها را به اختیار کردن سکوت و گرفتن وکیل گوشزد کنند و به آن‌ها بگویند تا زمانی که وکیلی اختیار نکرده‌اند، حق دارند از دادن پاسخ به هرگونه سؤال خودداری کنند و در صورتی که این قانون از جانب پلیس رعایت نشود، فرد دستگیر شده آزاد می‌شود. در حقوق آمریکا، حق متهم بدون تفکیک میان جرائم و حضور پیوسته وکیل در مدت بازجویی و محدود نکردن مشورت با وکیل به مدت زمانی خاص به رسمیت شناخته شده است (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۲۷۹) و در حقوق ایران، مدت ملاقات با وکیل و انتخاب کردن وکیل در برخی جرائم با قیودی همراه است.

۹. حق تعیین مترجم برای متهم

این حق زمانی نقش خود را در دادرسی عادلانه پیدا می‌کند که متهم از اتباع خارجه و مورد تعقیب قرار گرفته و یا ناشنوا یا نتواند تکلم کند. طبق مواد ۲۰۰ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقام تعقیب و دادگاه در صورتی که متهم قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست؛ مترجم رسمی مورد وثوق و یا مترجم غیررسمی دیگر مورد وثوق تعیین و همین قاعده در خصوص افراد کر و لال رعایت می‌گردد. برابرماده ۲۰۰ قانون مذکور: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند.» در حقوق آمریکا ضمن فراهم بودن مراتب اخیرالذکر، شرط سن و سوگند مترجم تصریح شده است و حداقل سن مترجم ۲۱ سال عنوان شده است. در

حقوق ایران صرفاً به وثاقت مترجم مورد وثوق اشاره شده است، حال هر شخصی که می‌خواهد باشد. درحالی‌که درحقوق آمریکا صراحتاً قید شده که مترجم نمی‌تواند از قضات دادگاه رسیدگی کننده و مدیر دفتر آن شعبه باشد، که درحقوق ما این موارد منع وجود ندارد و احتیاط قانونگذار آمریکا در این رابطه جای تأمل دارد. براساس ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آنرا بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند.» که از این تفهیم اتهام به متهم، ضرورت تبیین و تشریح اتهام به زبانی که متهم به آن آشنایی دارد، استنباط می‌گردد.

۱۰. حق داشتن معاینه پزشکی شخص تحت نظر

ذکر این حق جهت جلوگیری از اعمال شکنجه توسط ضابطان نسبت به شخص تحت نظر و یا تشخیص فقدان بیماری خاص یا خطرناک و جلوگیری از تشدید آن در نتیجه تحت نظر است. در ایران طبق ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورند. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.» حق مذکور برای اولین بار مطرح شده است. این حق در راستای احترام بیشتر به حیثیت و کرامت انسانی اشخاص است و در واقع نوع عملکرد ضابطان نباید مانع از حفظ سلامت روحی و جسمی انسان گردد. درحقوق ایالتی و ملی آمریکا، برای کنترل پزشکی مقررات ویژه‌ای وجود ندارد. رویه عملی دادگاه‌های آمریکا با استعانت از قانون اساسی، متضمن حمایت از متهمان در همه حال و از جمله بازداشت پلیسی است. در مواردی که اشخاص موضوع بازداشت پلیسی تقاضا نمایند که به وسیله پزشک معاینه شوند، با این تقاضا موافقت می‌شود. در آمریکا اصل ۲۴ «مجموع اصول برای حمایت همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندان» مقرر نموده است: «یک معاینه پزشکی مناسب باید در اسرع وقت پس از پذیرش در محل بازداشت یا زندان، از فرد در بازداشت یا زندان به عمل آید و پس از آن باید در هنگام لزوم مراقبت و درمان پزشکی برای وی فراهم شود. این مراقبت و درمان باید رایگان باشد.» فلسفه در نظر گرفتن این حق برای اشخاص تحت نظر، تجربه تلخ در اعمال تحقیقات جنایی توسط ضابطان قضایی است. درخصوص معاینه پزشکی از شخص تحت نظر در نظام حقوقی ایران پزشک به انتخاب دادستان است. اما در نظام حقوقی آمریکا تعیین پزشک علاوه بر دادستان ممکن است، توسط افسر پلیس قضایی هم صورت بگیرد، که در این خصوص قانون ایران بیشتر به صلاح متهم است. (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۲۸۰)

۱۱. اطلاع متهم از دلایل بازداشت و اتهامات

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اصل ۳۲ قانون اساسی ایران و مواد ۴۹ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران همگی مشعر بر آن است که علت بازداشت

و دلایل و نوع اتهام باید به متهم^{۱۶} اطلاع داده شود، که ضرورت تفهیم اتهام و ادله و اخذ آخرین دفاع از موارد فوق استنتاج می‌شود. مهم‌ترین اثر اطلاع دادن دلایل بازداشت و اتهامات به متهم آن است که به او امکان می‌دهد، در مورد قانونی یا غیرقانونی بودن بازداشت خود مناقشه کند. طبق اصلاحیه ششم قانون اساسی آمریکا؛ «در تمامی دادرسی‌های کیفری، متهم از حق دادرسی سریع و علنی به وسیله هیئت منصفه‌ای بی‌طرف، اطلاع از چگونگی و علت اتهام،... برخوردار خواهد بود.» ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آنرا بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند.» همچنین بند ۲ ماده ۹ و قسمت «الف» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی به ضرورت «تفهیم اتهام و ادله آن» پرداخته است و حق مورد نظر به «حق بر تفهیم حقوق متهمان» به عنوان جلوه عام «حق بر دریافت اطلاعات حقوقی و قضایی در فرآیند کیفری» و یکی از مصادیق مهم حقوق بشر تصریح و تأکید شده است. دستورالعملی مرتبط در راستای تحقق حقوق بنیادین شکلی مصرح در قطعنامه «نقشه راه برای تقویت حقوق شکلی مظنونان و متهمان در رسیدگی‌های کیفری» مصوب ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹ در شورای اتحادیه اروپا و بر مبنای مواد ۵ و ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد این مواد و همچنین حقوق مصرح در مواد ۶، ۴۷ و ۴۸ منشور حقوق بنیادین اروپایی، توسط شورای اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا به تصویب رسید، (مهرپور، ۱۳۹۶، ص ۱۶۷) که طبق ماده ۱۱ این دستورالعمل، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا باید قوانین و مقررات مورد نیاز برای رعایت این دستورالعمل را تا ۲ ژوئن ۲۰۱۴ به اجرا بگذارند.

۱۲. سکوت متهم

حق «سکوت متهم» بعنوان یکی از حقوق شهروندی در فرآیند تحقیقات مقدماتی و رسیدگی کیفری مطرح بوده است. به موجب این حق هرکسی که اتهامی متوجه او شود، می‌تواند تا حضور وکیل خود سکوت اختیار کند و از پاسخگویی به سؤالات پلیس و دستگاه قضایی خودداری کند. در نظام حقوقی ایران، یکی از الزامات قانونی برای پلیس در خصوص رعایت حقوق شهروندی، تفهیم حق سکوت به متهم و احترام به این حق عنوان شده است. در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری برای اولین بار به طور صریح این حق قانونگذاری شده است. در بند یک ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به این حق اشاره شده است. علاوه بر آن این حق در ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، پیش‌بینی شده است و در تقویت برخورداری از حق سکوت از حق مصونیت از خود اتهامی و اصل برابری سلاحها نیز نام برده شده است. حال آنکه بر اساس اصول نوین حقوق کیفری، سکوت به معنای پذیرش اتهام نیست، بلکه ظاهر در انکار است. (کرامت و دیگران، ۱۳۹۱،

ص ۹۹) بر اساس اصول و «الگو دادرسی منصفانه»^{۱۷}، اظهارات متهم در صورتی معتبر و قابل استناد هست که با اختیار و اراده آزاد بیان شده باشند. این در حالی است که در «الگوی کنترل جرم»^{۱۸}، نیروهای پلیس و بازجویان با نقض حریم خصوصی در پی جمع آوری اطلاعات و نقض حق سکوت متهم برمی آیند. حق سکوت متهم از حقوق تصریح شده در اصلحیه پنجم قانون اساسی ولایحه حقوق بشر در آمریکا است. بر پایه اصلحیه پنجم: «هیچ کسی را نمی توان به ادای گواهی علیه خود اجبار کرد.» متهم باید از حق سکوت خود اطلاع یابد و به او گفته شود که هر آنچه می گوید، ممکن است منزله دلیل علیه وی استفاده شود. اگر متهمی بدون اعلام این حق اقرار به امری کند، اقرار مزبور بی اثر خواهد بود. این حق در آمریکا و پرونده میراندا علیه آریزونا^{۱۹} در سال ۱۹۶۳ مورد توجه قرار گرفت. طبق هشدارهای میراندا در آمریکا مأمورین پلیس موظف هستند هنگام بازداشت افراد حق آن‌ها را به اختیار کردن سکوت و گرفتن وکیل گوشزد کنند و به آن‌ها بگویند تا زمانی که وکیلی اختیار نکرده اند حق دارند از دادن پاسخ به هرگونه سؤال خودداری کنند و در صورتی که این قانون از جانب پلیس رعایت نشود، فرد دستگیر شده آزاد می شود. مبنای اصلی حق سکوت را باید در فرض بیگناهی جستجو کرد. بر این اساس، الزام مقام تعقیب به ارائه دلیل اتهام و عدم الزام متهم به ارائه دلیلی مبنی بر بی گناهی خود، وی را از حق سکوت بهره مند می کند. (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۲۸۵) در حقوق ایران مبنای حق سکوت را می توان اصل ۳۸ قانون اساسی دانست. در قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله کشف جرم، صراحتاً به حق سکوت اشاره نشده، ولی ماده ۱۹۷ قانون مذکور و در مرحله دادرسی پیش بینی نموده است که: «متهم می تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می شود.» با توجه به ماده ۶۰ قانون مذکور مبنی بر حاکم بودن مقررات تحقیقات مقدماتی در مرحله کشف جرم و نیز این واقعیت که مرحله تحقیقات مقدماتی ویژگی خاصی ندارد که حق سکوت را تنها مختص این مرحله بدانیم، از زمان آغاز فرآیند دادرسی کیفری تا انتها این حق وجود دارد. در حقوق آمریکا یکی از حقوق شخص در بازجویی ها، حق سکوت است که می بایست به شخص تفهیم شود. دامنه حق سکوت در نظام ایران صرفاً در زمان تفهیم اتهام توسط بازپرس قید شده است. اما در مرحله تحت نظر و تحقیقات توسط ضابطین، این حق صراحتی ندارد و به نظر می رسد حق سکوت می بایست صراحتاً از زمان تحت نظری و دادرسی تصریح گردد.

۱۳. تعیین وضعیت متهم در مرحله تحت نظر

در راستای صیانت از آزادی و امنیت افراد و نظارت قضایی نسبت به اشخاص تحت نظر یا متهم، حق تعیین وضعیت متهم در مرحله تحت نظر اهمیت زیادی دارد. در قانون آ.د.ک مصوب ۹۲ ایران مطابق مواد ۴۶ و ۴۷ و ۴۹ و ۱۸۹ فرد دستگیر شده فوراً باید به مقام قضایی معرفی شود و در

17. Due process model

18. Crime control model

19. Miranda v Arizona



جرائم مشهود آن هم در صورت ضرورت حداکثر مدت تحت نظری ۲۴ ساعت و اطلاع مقام قضایی هم ضروری است و اگر خارج از وقت اداری باشد، حداکثر ظرف یک ساعت می‌بایست مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود و تمدید تحت نظری بیش از ۲۴ ساعت مجاز نبوده و بازداشت غیرقانونی محسوب می‌شود. مطابق ماده ۴۷ ق.آ.د.ک: «هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت، مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است موضوع را بررسی کند و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم، اقدام قانونی به عمل آورد.» از ماده ۴۹ همین قانون استنباط می‌شود که صرف اعلام تحت نظر قرار گرفتن شخص به علت یکی از عناوین مجرمانه به دادسرا، کافی نیست. مطابق ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آنرا بخواهد.» افزون بر آن، مطابق ماده ۴ همان قانون: «زمانی که متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات دردفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود.» همچنین به موجب ماده ۳ همان قانون: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل، به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کنند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.» ماده ۹۳ همان قانون تأکید کرده که بازپرس باید درکمال بی‌طرفی و درحدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و درکشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد. ماده ۹۴ قانون مزبور نیز بر لزوم انجام تحقیقات مقدماتی به سرعت و به نحو مستمر تأکید کرده و ایام تعطیل را مانع انجام آن ندانسته است. درحقوق کیفری آمریکا، بعد از آنکه متهم توسط پلیس دستگیر شد، می‌بایست بدون هرگونه تأخیر غیرضروری نزد مقام قضایی حاضر شود. این مقام قضایی درسطح حضور اولیه فدرال همان قضات دادگاه‌های بخش می‌باشند. بسیاری ازحوزه‌های قضایی علاوه بر ارائه حقوق و هشدارهای میراندا در مرحله دستگیری، قاضی را ملزم نموده‌اند، که در این مرحله نیز هشدارهای میراندا را به شخص مظنون ارائه دهد. هدف از حضور اولیه از مکانی به مکان دیگر متفاوت است، اما معمولاً اهداف آتی را می‌توان برشمرد: قاضی اتهام متهم را به زبانی که متوجه شود و نیز دلایل علیه او را به وی تفهیم نماید. قاضی، شخص را از حقوقش که همان حقوق میراندا است، آگاه کند. قرار تأمین لازم، ازجمله قرار بازداشت متهم را صادر نماید.

۱۴. منع اجبار به اقرار و شهادت^{۲۰}

ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به ممنوعیت اجبار یا اکراه متهم در بازجویی اشاره نموده‌اند. (زراعت، ۱۳۸۶، ص ۵۸) در همین زمینه اصلاحیه پنجم قانون اساسی آمریکا مقرر نموده است: «هرکس در موارد کیفری، به ادای شهادت علیه خود مجبور و یا از زندگی، آزادی و دارایی خویش بدون طی مراحل قانونی لازم محروم شود، معتبر نخواهد بود.» در حقوق آمریکا اقرارهای ناشی از اجبار یا اکراه، در دادگاه غیرقابل پذیرش هستند. نه تنها اجبار فیزیکی بلکه اجبارهای روانی نیز سبب بی اعتباری دلایل خواهد شد. فریب دادن نوعی فشار روانی است که موجب نقض حقوق اساسی می‌شود. قبل از هشدارهای میراندا، معیار تعیین مسموع و مجاز بودن اظهارات مظنون، ارادی بودن اظهارات وی بود؛ اما با تصویب هشدارهای میراندا معیار جدیدی در آمریکا به وجود آمد. به این معنا که اگر شخص مظنون به سئوالات پاسخ بدهد، نتیجه گرفته می‌شود که اظهاراتش ارادی و بدون هیچگونه اجبار و اکراهی بوده است. در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سئوالات تلقینی یا اغفال کننده و سئوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سئوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد. هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله وجاهت قانونی نخواهد داشت. درحقیقت، با معیار جدید که ناشی از تصمیمات میراندا است، دیگر لازم نیست که ارادی بودن اقرار در هر پرونده جداگانه تعیین شود و زمان صرف شود؛ بلکه با پاسخ «بله» به همه سئوالات مذکور فرض می‌شود که دلیل به دست آمده معتبر می‌باشد. در ماده ۱۹ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جستجو و دستیابی و انتشار اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به محدودیت‌ها، خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب شخص می‌باشد.»

۱۵. ثبت اظهارات و وقایع

ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نموده است: «ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آنرا به امضا یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.» در حقوق آمریکا نیز زمان ورود به اداره پلیس، نام مظنون، زمان دستگیری، نوع جرم ارتكابی باید ثبت شود. در حقوق ایران همانطور که مقنن تصریح

کرده است ثبت اظهارات به صورت مکتوب می‌باشد. در حالیکه در قانون برخی از ایالات‌های آمریکا الزامی شده است که ثبت اظهارات با وسایل الکترونیکی انجام شود؛ مثلاً در قانون ایالت ایلینویز مصوب ۲۰۰۵ ثبت اظهارات متهم در مدت بازداشت پیش بینی شده است. بازجویی در محاکمات مربوط به قتل بی اعتبار فرض می‌شود، مگر اینکه تمام بازجویی به صورت الکترونیک ضبط و دقیقاً حفظ شود. تحقق دادرسی عادلانه مستلزم تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری است، به گونه‌ای که با رعایت تساوی سلاح‌ها میان مقامات رسمی و متهمان به لحاظ اطلاعات حقوقی و قضایی، حقوق متهمان به آنان تفهیم شود و از این طریق زمینه بکارگیری حقوق دفاعی برای آنان فراهم گردد. (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۲۷۸) مطابق ماده ۵۲ ق.آ.د.ک: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق قانونی در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.»

۱۶. حق اطلاع خانواده و آشنایان از شخص تحت نظر

احترام به حقوق دفاعی متهم ایجاب می‌کند که خانواده وی از تحت نظر قرار گرفتن او آگاهی یابند تا بتوانند مقدمات دفاع را برایش در نظر بگیرند. ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر کرده: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفاند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.» با توجه به وضع این ماده، شخص تحت نظر باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن یعنی ساعات نخستین تحت نظر بتواند این حق را اعمال کند. (کرامت و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۹۰) این ماده نه تنها به حق شخص تحت نظر برای آگاه ساختن خانواده یا آشنایان خود تصریح کرده است، بلکه پلیس را مکلف کرده تا در این خصوص مساعدت لازم را به عمل آورد. در حقوقی ایران تشخیص ممانعت از این حق صرفاً با ضابطان است و صرفاً موضوع را به اطلاع دادستان می‌رساند. جمله اخیر ماده مذکور در راستای تضمین حقوق متهم و اطلاع رسانی به مقام قضایی که شخصی غیر از دادستان نیست، بعنوان تکلیفی برای ضابطان مقرر نموده است. طبق ماده ۴۹ همان قانون: «والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر متهم می‌توانند از طریق مراجع ذی‌ربط از تحت نظر بودن متهم اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.» در آمریکا تشخیص نهایی برای آگاه ساختن خانواده و آشنایان توسط متهم با دادستان است و در صورت تشخیص ضابطان برای جلوگیری از حق مذکور، موضوع و دلیل خود را به دادستان ارائه و مرجع تشخیص منع استفاده از این حقوق در نهایت، دادستان هست. در حقوق آمریکا به شخص اجازه داده می‌شود که با خانواده‌اش تماس بگیرد. (نیوبور، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳) بند ۱ اصل ۱۶ مجموعه اصول برای حمایت از همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندان نیز مقرر داشته است: «هرگونه بازداشت یا زندان فرد در بازداشت یا زندان باید این

حق را داشته باشد که پس از دستگیری و پس از هر بار انتقال از یک محل بازداشت یا زندان به محلی دیگر، اعضای خانواده خویش و دیگر افراد مناسب را به انتخاب خود، از دستگیری، بازداشت یا زندانی شدن خویش یا منتقل شدن و همچنین از محل نگهداری خویش آگاه سازد.»

نتیجه گیری

اصل تساوی سلاح‌ها ایجاب می‌نماید متهم مانند شاکی و دادستان از امکانات و موقعیت قانونی مساوی بهره مند شود. علیرغم اهمیت این اصل و رعایت آن در جهت رسیدن به عدالت و تحقق دادرسی منصفانه، در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به این اصل اشاره صریحی نشده، لیکن در برخی از مواد قانون مزبور مصادیق اصل تساوی سلاح‌ها تصریح گردیده است. تلاش برای کاهش اختیارات ضابطان و دادرسان تحقیق و همزمان تعیین ضمانت اجرا در مورد اقدامات آنان و تقویت تضمینهای حقوقی متهم در فرآیند تحقیقات مقدماتی از ویژگی‌های مهم این نوآوری تقنینی بود. نظام کیفری ایران به علت تفتیشی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی، حقوق دفاعی قابل توجهی را برای متهم پیش بینی نکرده است. نتیجه تطبیق اصل تساوی سلاح‌ها و رویکرد دادرسی عادلانه و منصفانه در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا کیفری این بوده که در هر دو کشور تلاش شده، حقوق دفاعی متهم در مراحل تحقیقات و رسیدگی رعایت گردد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ ایران که مؤخر بر قوانین کیفری آمریکا است، دقیقاً تلاش نموده که اصول یک دادرسی منصفانه را بکارگیری کند و با اسناد بین المللی مدافع حقوق بشر به صورت نسبی هماهنگتر باشد. اما سیاست جنایی تقنینی ایران با دید امنیت گرایی بعضاً در قانونگذاری احتیاط نموده است، که این امر موجب ایجاد ابهام، ایجاد خلأهای قانونی و نقصان در رعایت حقوق دفاعی متهم در این راستا شده است. قانونگذاران ایران و آمریکا تلاش نمودند که با اختصاص دادن ضوابط و مقرراتی شفاف در جهت تحت نظر قراردادن اشخاص، نه تنها موارد تحت نظر را کاهش دهند، بلکه در جهت امنیت فردی و حقوق مرتبط با آن، تضمینات بیشتری را فراهم آورند. تدابیر قانونی مربوط به حقوق دفاعی متهم و دادرسی عادلانه در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، از طریق تفهیم حقوق وی توسط ضابطان دادگستری دارای انسجام و هماهنگی کامل نبوده است. از نقایص موصوف می‌توان به این موارد اشاره کرد که ضابطان دادگستری فقط حقوق افراد تحت نظر را به آنان تفهیم می‌نمایند و نه تنها حق بنیادین سکوت در تحقیقات پلیسی وجود ندارد، در هیچ ماده‌ای به طور مشخص مقرر نگردیده است که این حق در تحقیقات مقدماتی به متهم تفهیم شود. همچنین به لزوم تفهیم حقوق متهم قبل از بازجویی اشاره نشده است و بازجویی از متهم منوط به حضور وکیل نشده و نیز ضمانت اجراهای کاملی برای نقض این حق متهمان از سوی ضابطان دادگستری پیش بینی نشده است. هدف قانونگذار ایران برقراری یک نظام اتهامی یکپارچه در مرحله تحقیقات مقدماتی نیست و موجب رعایت کامل برابری طرفین دعوا کیفری در بهره مندی از تمامی حقوق دفاعی نمی‌گردد. وجود محدودیت در جهت دسترسی به پرونده و انتخاب وکیل، به ویژه در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و غیرترافعی کردن تحقیقات می‌تواند برابری طرف‌ها را در مقابل



دادستان به نابرابری تبدیل کند. لکن قانونگذاران هر دو نظام ایران و آمریکا بر تعیین تکلیف سریع و بدون تأخیر متهم تأکید نموده‌اند و تلاشهای مؤثری را در جهت تضمین آزادی و حفظ حقوق آنان هنگام تحت نظر واقع شدن، بعمل آورده‌اند. در نهایت مواردی همچون تصریح حق سکوت متهم در مرحله تحقیقات پلیسی، افزایش زمانی مشورت متهم با وکیل، ثبت وضبط گفتگوهای بازجویی، در نظر گرفتن مقررات شفاف در جهت حفظ حقوق متهم در انتخاب وکیل را به نظام کیفری ایران می‌توان پیشنهاد کرد.

فهرست منابع

الف) کتب

- ۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ چهارم، سال ۷۸.
- ۲- آشوری، محمد؛ بشریه، حسین؛ هاشمی، سیدمحمد و جنید یزدی، عبدالله، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، سال ۹۴.
- ۳- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ ۲۴، سال ۹۲.
- ۴- رحمدل، منصور، آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی، قرارها، صلاحیت و رسیدگی، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، پاییز ۹۳.
- ۵- زراعت، عباس و مهاجری، علی؛ مشاور معاونت آموزش قوه قضائیه، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات فکرسازان، چاپ سوم، زمستان ۸۶.
- ۶- سلیمی، صادق و بخشی زاده اهری، امین، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در مقایسه با قانون سابق، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ چهارم، سال ۹۵.
- ۷- مهرپور، حسین، نظام بین الملل حقوق بشر، تهران، انتشارات شایک، چاپ هفتم، سال ۹۶.
- ۸- نیوبور، دیوید دبلیو، نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا، مترجم: حمیدرضا قراگزلو، تهران، نشر مجد. چاپ اول، سال ۱۳۸۹.

ب) مقالات

- ۱- رحمدل، منصور، دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه‌ها مقاله)، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، نشر میزان، ۱۳۸۸، صص ۳۱۱-۳۲۹.
- ۲- ساقیان، محمد مهدی، اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۵، شماره ۵۷-۵۶، صص ۷۹-۱۱۰.
- ۳- صابری، محمود، معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله حقوقی دادگستری، پذیرش مورخ ۸۸/۴/۷.
- ۴- فتحی، محمدجواد، جایگاه دادستان در سیاست نوین و الزامات دادرسی عادلانه، مجله دادیار



هادی، پذیرش مورخ ۹۱/۱۲/۹.

- ۵- کرامت، قاسم و حبیب زاده، محمدجعفر، الزامات نظام قضایی در زمینه حقوق و آزادی‌های متهمان در مرحله دادرسی، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال اول، ۱۳۹۱، شماره سوم، صص ۸۹-۱۲۲.
- ۶- نیاززور، امیرحسن، وکیل در قلمروی عدالت کیفری، بنیان‌ها و کارکردها، مجله پژوهش نامه حقوقی سال دوم، ۱۳۹۰، شماره اول، صص ۱۲۷-۱۴۲.